

**Abstract**

The present paper is aimed at analyzing the sociological structure of the class of Kurdish Mokrian society and its changes over the last half century (based on the class structure of Mahabad city), and study of attitude to gender equality and gender tolerance of them. This research was conducted by survey method and using questionnaire tools. The statistical population includes all people over the age of twenty and living in the Mokrian area. Based on cluster sampling, Mahabad city was selected as the sample and the appropriate sample size was determined as 356 people according to the maximum scattering rate and 5% error. Data were measured by the scale of Inglehart and analyzed by one-way analysis of variance test in four stratified groups of Kermanj (popular people), Aghavat (landlords), townspeople and Sadat. The findings of the study indicate that there is a significant difference between the four groups in terms of attitudes towards gender equality and sexual tolerance.

**Key words:** social class, gender equality, sexual tolerance, Mokrian.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.245608.1247>

### تأثیر قشربندی اجتماعی بر برابری جنسیتی در کردهای مکریان

شورش اک<sup>۱</sup>

امیر ملکی<sup>۲</sup>

محمدجواد زاهدی‌مازندرانی<sup>۳</sup>

یعقوب احمدی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

#### چکیده

مقاله حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی ساختار قشرهای جامعه کردهای مکریان و بررسی تغییرات آن در طول نیم-قرن اخیر (با تکیه بر ساختار قشری شهر مهاباد) و نیز بررسی نگرش به برابری جنسیتی و تساهل در بین آنها صورت گرفته است. سوال اصلی پژوهش حاضر اینست که قشربندی اجتماعی چه تأثیری بر برابری جنسیتی و تساهل جنسی در کردهای مکریان داشته است؟ برای پاسخ به این سوال این پژوهش با روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای بیست سال سن و ساکن در منطقه مکریان است. بر اساس نمونه‌گیری خوشه-ای، شهر مهاباد به‌عنوان نمونه انتخاب و حجم نمونه مقتضی با توجه به حداکثر میزان پراکندگی و خطای ۵ درصد ۳۵۶ نفر تعیین شد. داده‌ها به‌وسیله مقیاس استاندارد ارزش‌های فرامادی اینگلهارت سنجش و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه در چهار گروه قشری کرمانج (مردم عادی)، آغاوت (خوانین)، شهری اصیل و سادات مورد مقایسه و تحلیل واقع شده است. یافته‌های مربوط به تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار در هر دو متغیر نگرش به برابری جنسیتی و تساهل در امور جنسی، در بین گروه‌های چهارگانه است.

واژگان کلیدی: برابری جنسیتی، تساهل جنسی، قشر اجتماعی، مکریان.

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور و دانش-آموخته مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسوول)

tawar1363@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور malekpnu@gmail.com

<sup>۳</sup> استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور m\_zahede@pnu.ac.ir

<sup>۴</sup> دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور yahmady@pnu.ac.ir

از جمله نابرابری‌های اجتماعی، نابرابری‌های جنسیتی است که اشاره به هر رفتار، سیاست و سایر کنش‌هایی است که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه‌شده اعضای جامعه نسبت به قشر زنان به‌عنوان موجوداتی فرودست در زمینه‌های مختلف از جمله اشتغال، آموزش و سایر موارد است. باورهای عمومی و اجتماعی زنان و مردان درباره تفاوت‌های جنسیتی، مبنای تقسیم‌کار و تمایز نقش‌های خانگی و اجتماعی زنان و مردان بوده است. یکی از عوامل تقسیم‌کار سنتی جنسیتی، وجود و بازتولید تعاریف جنسیتی تأییدکننده تقسیم‌کار و نظام نقش‌های جنسیتی است. متعارف‌ترین معیار برابری جنسیتی در حوزه عمومی مربوط به بازار کار است. نابرابری جنسیتی در حوزه خصوصی به تقسیم‌کار در خانواده و ساختار آن بستگی دارد.

تحولات فکری و دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی بعد از عصر روشن‌گری و انقلاب علمی و صنعتی، که گسترش دیدگاه‌های برابری‌گرا و تغییر در شیوه‌ها و روابط تولید را به همراه داشت، تغییراتی نیز در نگرش‌های جنسیتی ایجاد کرده است. با گسترش جنبش‌های برابری‌خواهانه زنان و ایدئولوژی‌های فمینیستی، موضوع زنان در مطالعات اجتماعی برجسته‌تر شده و بحث تفاوت‌های جنسی و جنسیتی در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات اصلی و در عین حال جدلی در پویش‌های سیاسی-اجتماعی و نیز مطالعات علوم اجتماعی تبدیل شده است.

توجه به مقوله برابری جنسیتی و نیز تساهل در امور جنسی به عنوان یکی از مقولات مرتبط با توسعه اقتصادی-اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. گزارش بانک جهانی (۲۰۰۳) اعلام می‌دارد که: «کشور-های توسعه‌یافته متوجه شده‌اند سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای که نابرابری جنسیتی را نادیده می‌گیرند، کارایی کمتری داشته و هزینه‌های مضاعفی را تحمیل می‌کنند» (برزانی و حاتمی، ۱۳۸۹: ۷۴). وجود نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف از جمله آموزش از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی کشورهای درحال توسعه است. نابرابری‌های جنسیتی دارای اثر منفی بر توسعه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی است؛ رشد اقتصادی را محدود و در نتیجه امکان کاهش فقر را مختل می‌سازد. بررسی مقایسه‌ای کشورهای نشان می‌دهد کشورهایی که در آموزش دختران سرمایه‌گذاری می‌کنند از نرخ رشد بالاتری برخوردارند. در شرایط مساوی، افزایش سطح تحصیلات زنان بیش از افزایش میزان تحصیلات مردان، در سلامت، رشد تحصیلی و بهره‌وری آینده فرزندان تأثیر مثبت خواهد داشت. از همین رو توجه به موضوع برابری جنسیتی و جنبه‌های مختلف آن در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت، دستمزد، اشتغال و مدیریت از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

مساله نابرابری جنسیتی و نیز عدم تساهل در امور جنسی، در جوامع کمتر توسعه‌یافته نسبت به جوامع توسعه‌یافته، بروز و شدت بیشتری دارد، لذا این موضوع در ایران نیز همواره مورد بحث بوده و دلایل و پیامدهای آن بررسی شده است. هرچند تأثیرپذیری جامعه ایران از فرآیندهای فکری، اقتصادی و اجتماعی مدرن، موقعیت و جایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان را تا حدودی دستخوش تغییرات کرده است، اما در مقایسه یا روند جهانی تغییرات آن، ناهماهنگ و ناقص است. «ایران در سال ۲۰۰۶ در میانه مسیر برابری جنسیتی و رفع تبعیض‌ها

قرار داشت و با برنامه‌های حمایتی در زمینه آموزش و سلامت توانست در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ روند صعودی را طی کند و به رتبه ۱۱۶ در مجموع کشورها دست یابد، اما در سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۷)، ایران تجربه افزایش شدید تبعیض جنسیتی را داشته و در طول سال‌های بعد هم‌چنان در مدار کشورهای با بالاترین نرخ فاصله جنسیتی باقی می‌ماند» (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۶).

عدم تبعیض جنسیتی و تساهل در امور جنسی مانند سایر ارزش‌های اجتماعی، تحت تأثیر عوامل متعددی هستند که هرکدام با درجه و شدت معینی در ایجاد آن سهیم‌اند و نمی‌توان آن‌ها را با یک یا چند علت واحد تبیین کرد. از جمله این عوامل می‌توان به قشر و پایگاه افراد اشاره کرد که می‌تواند شدیداً نظام ارزشی افراد را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت جامعه را دچار تغییر فرهنگی کند. از ویژگی‌های نظام ارزشی جامعه، نسبت بودن آن است و این نسبت تحت تأثیر برخی عوامل اجتماعی-اقتصادی، از جمله قشر اجتماعی است. عضویت در یک قشر اجتماعی، تعیین‌کننده دو عامل مهم و اثرگذار در زندگی افراد یعنی «شیوه زندگی» و «فرصت‌های زندگی» است. به سخن دیگر، سبک زندگی و نظام ارزشی افراد تا حدود زیادی به تبع وابستگی قشری آن‌ها مشخص می‌شود.

اصطلاح «نظام قشربندی شده»<sup>۱</sup>، به پیچیدگی نهادهای اجتماعی اشاره می‌کند که نابرابری‌های قابل مشاهده این دسته‌بندی را تولید می‌کند. نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منافع با ارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند و به‌طور کلی به تفاوت‌هایی میان افراد اشاره می‌کند که بر نحوه زندگی آن‌ها، خاصه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن‌ها برخوردارند، تأثیر دارد. در جوامع ماقبل سرمایه‌داری، قشربندی اجتماعی عمدتاً پیامد نابرابری‌های ذاتی به شمار می‌آمد و امری طبیعی یا تقدیر الهی محسوب می‌شد.

شیوه زندگی و نحوه تفکر درباره جهان اجتماعی شامل ارزش‌ها، اهداف زندگی و سوگیری‌های کلی نسبت به موضوعات انسانی و اجتماعی، تا حدود زیادی، تحت تأثیر وابستگی‌های قشری است. قشر اجتماعی از مهم‌ترین علل تعیین‌کننده رویکردها و رفتار افراد به شمار می‌رود. هر قشر اجتماعی، سبک زندگی ویژه، رویکردها و باورداشت‌های مخصوص و مقبول خود را دارد. اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند یکسان نیست، این اولویت‌ها معمولاً انعکاسی از تجربه‌های جامعه‌پذیری است.

افراد هر جامعه‌ای به گروه‌ها و اقشار اجتماعی خاصی تعلق دارند و همین وابستگی، آن‌ها را به خرده‌فرهنگ‌های قشری پیوند می‌دهد. این افراد در داخل هر قشری، از شخصیت ویژه‌ای که برگرفته از نظام ارزشی و رفتاری خاصی است برخوردارند که در فرآیند اجتماعی شدن شکل گرفته است. اجتماعی شدن فرآیندی است که از طریق آن ارزش‌های فرهنگی جامعه (و طبقات اجتماعی) در افراد درونی شده و سبب می‌شود که افراد هم‌نوا با نظام اجتماعی رفتار نموده و راه‌های مناسب را برگزینند.

با وجود تغییرات در قشربندی و نظام رفتاری و ارزشی جامعه ایران در طول دهه‌های اخیر، نظام قشربندی در جامعه کردستان ایران، به دلیل ویژگی خاص قومی و مذهبی آن و نیز برخی عوامل جغرافیایی از جمله موقعیت ویژه مرزی آن، خصوصیات منحصر به فرد خود را در طول دهه‌های اخیر، تا حدود زیادی حفظ کرده است. علاوه بر این، برخی از خصوصیات اجتماعی آن‌ها، از جمله ازدواج‌های درون‌گروهی، تعصبات قومی-قبیله‌ای

و رفتارهای تبعیض آمیز جنسیتی در بین برخی از این قشرها به شدت مشاهده می‌شود. لذا تحقیق حاضر به مطالعه اقشار مختلف اجتماعی و تاثیر آن بر ارزش‌های برابری جنسیتی و تساهل در امور جنسی در منطقه مکریان کردستان پرداخته است. این پژوهش با روش پیمایشی و استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای بیست سال سن و ساکن در منطقه مکریان است. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای، شهر مهاباد به‌عنوان نمونه انتخاب و حجم نمونه مقتضی با توجه به حداکثر میزان پراکندگی و خطای ۵ درصد ۳۵۶ نفر تعیین شد. داده‌ها به‌وسیله مقیاس استاندارد ارزش‌های فرامادی اینگلهارت سنجش و با استفاده از آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه در چهار گروه قشری کرمانج (مردم عادی)، آغاوت (خوانین)، شهری اصیل و سادات مورد مقایسه و تحلیل واقع شده است. یافته‌های مربوط به تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار در هر دو متغیر نگرش به برابری جنسیتی و تساهل در امور جنسی، در بین گروه‌های چهارگانه است.

### ۱- پیشینه تحقیق

تحقیقات زیادی در مورد نابرابری جنسیتی در ایران و جهان انجام شده است. بسیاری از این تحقیقات، پدیده نابرابری جنسیتی را در محل کار و خانواده و عمدتاً توزیع قدرت در بین زوجین را مطالعه کرده‌اند. برخی از مطالعات هم صرفاً ایدئولوژی جنسیتی و عقاید قالبی جنسیتی رایج بین زوجین را مورد بررسی قرار داده‌اند. مطالعاتی که تاثیر قشرهای اجتماعی خاصی را بر نابرابری جنسیتی یا تساهل در امور جنسی بررسی کنند، بسیار محدودند.

سراج زاده و جواهری در مقاله خویش با عنوان «برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرش مرتبط با آن»، به تحلیل ثانویه داده‌های طرح پیمایشی نگرش‌ها و رفتار دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، ۱۵۲۲ دانشجو را در ۲۱ دانشگاه کشور مطالعه کرده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، دانشجویان در حد قابل ملاحظه‌ای، به نگرش‌های جدید برابری‌گرا در تقسیم نقش‌های جنسی گرایش دارند. زنان بیش از مردان برابری‌گرا هستند و متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محل سکونت و گرایش‌های سیاسی با برابری‌گرایی جنسیتی رابطه مثبت و دینداری و محافظه‌کاری با آن رابطه منفی دارند (سراج‌زاده و جواهری، ۱۳۸۵: ۳).

مطالعه‌ای با هدف بررسی عوامل موثر بر نابرابری جنسیتی در شهر کرمان انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه در سه مولفه نابرابری نمادی (قدرت تصمیم‌گیری)، نابرابری اجتماعی (مشارکت) و نابرابری اقتصادی (مالکیت)، نسبت به شوهران خود وضعیت فرودست دارند و در مولفه نابرابری فرهنگی (به-کارگیری وسایل فرهنگی) موقعیتی بهتر از شوهران خود دارند. براساس یافته‌ها ۹۰/۶ درصد از زنان در زندگی خود نابرابری جنسیتی را تجربه کرده‌اند و تحصیلات زن به صورت معکوس و عقیده قالبی به صورت مستقیم مهم‌ترین تاثیر را بر نابرابری جنسیتی دارند (احمدی و گروسی، ۱۳۸۳: ۵).

قدرتی و همکاران ۴۰۰ نفر از زنان متأهل ۲۰-۴۰ ساله شهر بوشهر را در تحقیقی با عنوان «برابری جنسیتی در میان زوجین و تعیین‌کننده‌های اجتماعی آن»، مطالعه کرده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق که با استفاده از روش پیمایش انجام شده است متغیر میزان برابری جنسیتی با متغیرهای تحصیلات، منزلت شغلی زن، درآمد، پابندی

مذهبی و محل تولد، رابطه مثبت و با متغیرهای سن زوجین و تجربه نابرابری در منزل پدری رابطه معکوس دارد (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳ و ۶۴).

کلاسن<sup>۲</sup>، در پژوهشی به بررسی اثر نابرابری جنسیتی بر رشد اقتصادی پرداخته است. وی اثر نابرابری جنسیتی آموزشی را بر رشد اقتصادی بلندمدت مناطق شرق آسیا، صحرای آفریقا و خاورمیانه طی دوره ۱۹۶۰-۹۲ بررسی کرده است. بر اساس نتایج این تحقیق، نابرابری جنسیتی به طور مستقیم با کاهش سرمایه انسانی و به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر رشد جمعیت و نرخ سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را کاهش داده است (Klasen, 2002: 345-373).

گازسو و مولین<sup>۳</sup> در تحقیقی با عنوان «انجام کارهای خانگی» با استفاده از الگوی پویایی مردسالارانه و ایدئولوژی جنسیتی، نابرابری جنسیتی را در انجام کارهای خانه تبیین کردند. این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل غیر ایدئولوژیک مانند خصوصیات اقتصادی-اجتماعی بر شکل سهم‌بری زن و شوهر از قدرت درون خانواده و نحوه مشارکت در امور تأثیر می‌گذارد (Gazso & Mullin, 2003: 341-366).

در مجموع، بر اساس جمع‌بندی بریک‌ول<sup>۴</sup>، پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آن است که نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی در گروه‌های مختلف، از جمله قشرهای مختلف اقتصادی-اجتماعی، گروه‌های قومی و فرهنگ‌های مختلف تا حدودی تفاوت دارد (Breakwell, 1990:220).

## ۲- چارچوب نظری

در یک تقسیم‌بندی کلی، نظریات مختلف در زمینه قشر بندی اجتماعی را می‌توان در سه دسته جای داد: کارکردگرایان ساختاری که نابرابری و قشر بندی در جامعه را ضروری، گریزناپذیر و دارای کارکرد می‌دانند (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۸). «نابرابری اجتماعی تمهیدی است که ناخودآگاه شکل گرفته و جامعه با آن تضمین می‌کند که مهم‌ترین جایگاه‌ها به طور مستمر به وسیله با صلاحیت‌ترین افراد پر شود» (Davis & Moor, 1945: 48). تضادگرایان برعکس کارکردگراها بر تسلط گروه‌ها و افراد بر گروه‌های دیگر جامعه توجه دارند (ربانی و انصاری، ۱۳۸۵: ۳۴). نماینده شاخص این دیدگاه مارکس است که بر نقش اقتصاد در تعیین طبقه اجتماعی تأکید دارد. البته ماکس وبر دو بعد مهم دیگر یعنی منزلت و حزب را نیز جهت تحلیل طبقه افزود. دیدگاه سومی هم به نام نظریات تلفیقی مطرح است که به عقیده گرهارد لنسکی نتیجه کاربرد روش علمی نوین در مطالعه مساله کهنه نابرابری‌های اجتماعی است.

با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در جوامع و قشرهای متفاوت اجتماعی می‌توان تفاوت‌های نظام ارزشی را شناسایی کرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۷۶). لذا مراد از «نظام ارزشی» مجموعه ارزش‌های مرتبط به هم می‌باشند که رفتار و کارهای فرد را نظم می‌بخشد و غالباً بدون آگاهی فرد شکل می‌گیرد» (خلیفه، ۱۳۷۸: ۷۵). ارزش‌ها از نظر اهمیتی که دارند، یکسان نیستند و در مجموعه‌ای جای دارند که به آن «نظام ارزشی» گفته می‌شود. اولویت‌هایی که افراد به ارزش‌ها می‌دهند، یکسان نیست. این اولویت‌ها معمولاً متأثر از خلق و خو، شخصیت، تجربه‌های جامعه‌پذیری، تجربه‌های منحصربه‌فرد زندگی، فرهنگ پیرامون و مانند آن است. (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۱۸).

اینگلهارت و بوردیو دو نفر از متفکرانی هستند که اهمیت نقش قشر اجتماعی و جامعه‌پذیری مربوط به آن را در شکل‌گیری باورهای ارزشی از جمله برابری جنسیتی و تساهل در امور جنسی، مورد تأکید قرار داده‌اند. نظریه دگرگونی ارزش‌های اینگلهارت پیش‌بینی می‌کند که جایگزینی جمعیت نسل جدید به تدریج به جابجایی بلندمدت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی منجر خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۹). به نظر اینگلهارت، ارزش‌های فرامادی بازتاب وجود امنیت در طی شکل‌گیری شخصیت فرد هستند و کامیابی اقتصادی افزایش‌یافته، منجر به کاهش ارزش‌های ماتریالیستی از نسلی به نسل دیگر می‌شود. بر این مبنا اینگلهارت به تأثیر قشر بندی اجتماعی توجه می‌کند. از این منظر خانواده‌های ثروتمند به نظر می‌رسد که جوانان ماتریالیست کمتری نسبت به خانواده‌های فقیر پرورش دهند. بر این اساس، افراد اقشار بالاتر و خانواده‌های ثروتمند، ارزش‌های فرامادی مانند برابری زن و مرد در جامعه، در آن‌ها بیشتر مشاهده می‌شود و با برخی از مسایل اجتماعی از جمله طلاق، روسپی‌گری و ... مدارا و تساهل بیشتری از نشان می‌دهند.

یکی از دیگر متفکران معاصر که به بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی افراد و گرایش‌ها و نیز عمل اجتماعی فرد می‌پردازد «پیر بوردیو» است. به نظر وی انسان‌ها همواره به لحاظ ساختاری در فضای اجتماعی چندبعدی جای گرفته‌اند که عمدتاً بر مبنای موقعیت طبقه اجتماعی‌شان تعریف شده است. طبقه اجتماعی به دسترسی فرد به منابع گوناگون، پیوندهای اجتماعی و فرصت‌های اجتماعی مرتبط با شغل، سن، جنسیت، تحصیلات و جز آن اشاره دارد و نه صرفاً تعریفی کاملاً مارکسیستی از آن. بدین منظور بوردیو از اصطلاح کلیدی «هیتاس» استفاده می‌کند. هیتاس به طرح‌های تفسیری و عمدتاً ناخودآگاهانه‌ی اشاره دارد که نحوه کار جهان و نحوه ارزیابی امور را به ما نشان می‌دهد و دستورالعمل‌هایی برای کنش ارائه می‌کند. وی معتقد است که افراد طی اعمالشان توسط این چارچوب‌های کلی تفسیری هدایت می‌شوند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). مرتبط با همین مباحث، بوردیو از مفهوم «ذایقه» صحبت می‌کند. ذایقه یک عملکرد است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۴: ۷۲۱). هدف عمده بوردیو در کنار هم قرار دادن طبقه و تحلیل فرهنگی است. وی در کتاب «تمایز»، گزارشی از تفاوت سبک‌های زندگی از طبقات مختلف اجتماعی ارائه می‌کند. این اشتغالات فرهنگی به شکلی اجتماعی ساختار پیدا کرده و بازتولید طبقه اجتماعی‌اند (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۱۹۹).

بوردیو مدعی است نوعی علیت چرخشی در نظام نابرابری جنسیتی جوامع وجود دارد؛ به گونه‌ای که ساختارهای عینی اجتماعی، باورهای فردی را شکل می‌دهد و افراد بر پایه این باورها به نحوی عمل می‌کنند که نظم اجتماعی جنسیتی تقویت می‌شود (Hull, 2002: 351). وی در نظریه خود در باب نابرابری، به فراسوی مفهوم مارکسیستی طبقه گام می‌نهد. وی تصویری پیچیده از طبقه ارائه می‌کند و آن را ترکیبی از شکلهای مختلف سرمایه کنش‌گران (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نمادی) در هر میدان اجتماعی می‌داند (Anheier, etal, 1995: 861).

روش انجام این تحقیق، پیمایشی است که داده های آن با بهره گیری از پرسشنامه استاندارد سنجش ارزش های فرامادی اینگلهارت استفاده شده است که میزان پایایی سازه های پژوهش (جهت اطمینان و تأیید مجدد آن)، بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول (۱): ضریب آلفای کرونباخ مربوط به ابعاد مختلف متغیرها

ابعاد ارزشی	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
نگرش به برابری جنسیتی	۳	۰/۸۱۵
تساهل	۴	۰/۷۲۱

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه افراد بالای ۲۰ سال سن و ساکن در منطقه مکرران (شامل شهرستان های جنوب دریاچه ارومیه اعم مهاباد، بوکان، نقده، اشنویه، پیرانشهر، میاندوآب، سردشت، تکاب، شاهین دژ و بخشی از شهرستان سقز) می باشد.

شیوه نمونه گیری خوشه ای است و شهرستان مهاباد به عنوان خوشه انتخابی در نظر گرفته شد. حجم نمونه بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران با دقت برآورد  $d=0/05$  و حداکثر واریانس  $pq=0/25$  و سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر تعیین و در مرحله عمل و پس از گردآوری پرسشنامه ها، به دلیل زایل شدن تعدادی از پرسشنامه ها، تعداد ۳۵۶ پرسشنامه سالم گردآوری شد.

برای سنجش متغیرهای نگرش به برابری جنسیتی و تساهل در امور جنسی، بر اساس پرسشنامه مذکور، از طیف لیکرت استفاده شده است و نظر پاسخگویان دز زمینه گویه های مختلف مربوط به متغیرها که در جدول شماره ۲ آمده است مورد سنجش واقع شده است. به عنوان مثال از نمونه آزمودنی پرسیده شده است که: نظر شما در مورد اینکه «مردان نسبت به زنان مدیران تجاری بهتری هستند» چیست؟ یا نظر شما درباره اینکه «در برابر روسپی گری باید تساهل نشان داد» چیست؟

جدول (۲): گویه های سنجش شده مربوط به ابعاد مختلف متغیرها

برای تحلیل	ابعاد ارزشی	داده های
گردآوری شده، کمی آماری اعم تلخیص و	نگرش به برابری جنسیتی تساهل	از روش های از ابزارهای طبقه بندی و

آزمون پارامتریک مقایسه میانگین گروه های مستقل (تحلیل واریانس یک طرفه) استفاده شده است.

#### ۴- آشنایی اجمالی با جامعه آماری و اقشار اجتماعی آن

«مکرران»، نام ولایتی تاریخی است که پیش از قانون جدید تقسیمات کشوری، به منطقه ای در شمال غربی ایران گفته می شد که بخش اعظم این منطقه جزو استان آذربایجان غربی و قسمت کوچکی نیز در استان کردستان

امروزی است. مکریان، میرنشین (امارت) ایل‌های کرد مکری در سده ۹ تا ۱۳ هجری بوده است که در شمال-غربی ایران و در جنوب دریاچه ارومیه قرار دارد. مکریان شهرهای جنوب دریاچه ارومیه؛ مهاباد، اشنویه، بوکان، پیرانشهر، سردشت، شاهین‌دژ، تکاب، میاندوآب، نقده و بخش کوچکی از شهرستان سقز در استان کردستان را در برمی‌گیرد. بر اساس داده‌هایی که از سوی انستیتوی کرد در استکهلم سوئد ارائه شده است، مساحت مکریان ۱۷۹۴۶ کیلومترمربع و جمعیت آن بر اساس آمار رسمی ایران ۱۲۴۰۲۱۹ نفر است (خضری، ۱۳۸۸: ۶-۵). شهرستان «مهاباد» را هم به دلیل مرکزیت جغرافیایی و هم به علت ویژگی‌های فرهنگی خاص خود که به‌نوعی یک مکریان کوچک است، می‌توان نمونه تمام و کمال منطقه مکریان دانست. این شهر نام ساوجبلاغ مکری (سابلاغ مکری) را تا سال ۱۳۱۵ شمسی با خود داشت تا این‌که در این سال به «مهاباد» تغییر پیدا کرد (صمدی، ۱۳۷۳: ۹۳). از لحاظ وسعت، شهرستان مهاباد با ۲۵۹۲ کیلومترمربع، چهارمین شهر بزرگ استان آذربایجان غربی است. بر اساس آخرین سرشماری انجام‌شده در سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان مهاباد ۲۳۶۸۴۹ نفر بوده است. در بحث قشربندی اجتماعی اکنون در شهرستان مهاباد، می‌توان به چهار طبقه و منزلت مختلف اجتماعی که کاملاً ملموس و قابل احراز هستند اشاره نمود: جامعه شهری اصیل، آغاوت (خوانین)، سادات و کرمانج (مردم عادی).

**سادات:** واژه «سید» در لغت به معنای بزرگ و آقا و آنان که منتسب به اولاد پیامبر اکرم (ص) باشند، است. منزلت قشر سادات در بین سایر افراد جامعه کردستان همواره وجود داشته است و همین امر باعث شده است که قشر سادات برای خود پایگاه و منزلت اجتماعی ویژه‌ای قائل شوند و حتی در منطقه مکریان، سادات، افراد غیر خود را با اصطلاحات خاصی مانند «امی» خطاب کنند. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان سادات مکریان را به «سادات کرده»، «سادات برزنجی»، «سادات کلیجی» و «سادات ماوه‌لو» تقسیم نمود. منشأ سادات «کرده» یا «پارسانیان» در مکریان به خاندان مکریم «پیرخضر شاهویی حسینی» یکی از سلسله‌های بزرگ و نامدار سادات در کردستان ایران برمی‌گردد که سده‌هاست در بخش‌های مختلف کردستان پراکنده‌اند (شجره‌نامه سادات پیر خضر شاهویی). بر اساس متون تاریخی و شجره‌نامه معتبر و موثق، رشته نسبی خاندان سادات برزنجی به امام‌زاده اسماعیل‌محدث فرزند گرامی امام موسی بن جعفر (ع) ختم می‌گردد (مدرس، ۱۹۹۵: ۲۵۷). سادات برزنجی مکریان عموماً پسوند «برزنجی» یا «برزنجه» را در نام خانوادگی خود دارند. سادات «کلیجی» و «ماوه‌لو» هر دو از سادات حسینی بوده و طبق گفته برخی از آن‌ها، سلسله نسبت‌شان به امام سجاد زین‌العابدین می‌رسد. وجه-تسمیه آن‌ها نیز با اسم روستای «کلیجه» از توابع مهاباد و «ماوه‌لو»، از توابع سردشت مرتبط است. از خصوصیات بارز و مشهور فرهنگی سادات در مکریان می‌توان به پوشش منحصربه‌فرد زنان و مردان این گروه، از جمله بستن کمر بند سبزرنگ همراه با لباس کردی اشاره نمود. از دیگر خصوصیات اجتماعی سادات می‌توان به ازدواج درون‌گروهی اشاره کرد.

**شهری اصیل:** در برخی شهرهای مکریان مانند تمامی شهرهایی که سابقه شهری قابل‌توجهی دارند، جمعیتی زندگی می‌کنند که خود را شهری اصیل و ساکنان قدیمی و اصیل آن شهر حساب کرده و این منزلت و جایگاه خاص را برای خود قایلند. شکی نیست که با توجه به سابقه شهریت بیش از چهارصدساله برخی شهرهای

مکریان مانند مهاباد، برخی خانواده‌ها و نیز طوایف، از اصالت و منزلت شهری اصیل و اصطلاح خاص آن در مهاباد یعنی «سابلاغی» برخوردار هستند.

**آغاوت (خوانین):** این بافت جمعیتی از گذشته، جزو عشایر محسوب شده و از ملاکین و زمین‌داران در نظام ارباب‌ورعیتی گذشته بوده‌اند. خوانین و آغاوت‌های مکریان، درصد قابل توجهی از جمعیت ناحیه را تشکیل داده و با وجود گذشت بیش از نیم قرن از نابودی قانونی نظام ارباب‌ورعیتی، هنوز این طبقه اجتماعی، شأن و منزلت اجتماعی و تا حدودی قدرت نسبی اقتصادی خود را در بین جامعه مکریان و اقشار مختلف اجتماعی آن حفظ کرده است. خوانین (آغاوت) ناحیه مکریان، شامل عشایر مختلفی از جمله، منگور، دهبکری، گورک، مامش، فیض‌الهیگی، زرزا و ... است که در شهرستان مهاباد، سه گروه اول، بیش از ۹۵ درصد از جامعه خوانین آن را تشکیل می‌دهند.

خوانین منگور مشتمل بر شش طایفه هستند که عبارت‌اند از: طایفه «شم»، طایفه «مروت»، طایفه «آمان»، طایفه «زین»، طایفه «زیرین» و طایفه «خضر» (قاجار، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۳). ایل دهبکری در حال حاضر پنج طایفه هستند که عبارت‌اند از: طوایف معروف آقا، محمد آقا، عباس آقا، سلیمان آقا و شیخ آقا (صمدی، ۱۳۸۰: ۶۱-۵۹). گورک‌ها در حدود سیصد سال پیش از عراق وارد مکریان شده‌اند (مامندی، ۱۳۹۵: ۵۷) و شامل طوایف عزیزی، حسنی، محمدی، ابراهیمی، قادری و جوانمردی هستند (صمدی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴).

**کرمانج (مردم عادی):** قشر وسیعی از جمعیت کردستان مکریان کسانی هستند که از لحاظ نسبی و سببی خود را به هیچ‌یک از طبقات خوانین (آغاوت)، سادات و طبقه شهری اصیل، منتسب نمی‌دانند و در یک کلام، فارغ از قید طایفه و عشیره هستند. با توجه به وسعت جمعیتی و مکانی، افراد این طبقه هم در روستاها و هم در شهرهای مکریان زندگی می‌کنند. از نکات بسیار مهم در توصیف این قشر خاص اجتماعی این است که خاستگاه اصلی این قشر از جامعه (صرف نظر از این که اکنون ساکن شهر یا روستا هستند)، روستاهای مکریان است. این قشر خاص از جامعه مکریان را عامه مردم یا «کرمانج» می‌گویند.

مجموع این چهار قشر، کلیت جامعه آماری مکریان و هر کدام نسبت قابل توجهی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند. متأسفانه به دلیل عدم وجود مطالعات قبلی در این زمینه، اطلاعات دقیقی در مورد تعداد هیچ کدام از اقشار وجود ندارد ولی می‌توان گفت که ساختار غالب جمعیتی مربوط به قشر «کرمانج» یا مردم عادی است.

## ۵- یافته‌های تحقیق

### ۵-۱- متغیرهای جمعیت شناختی

نتایج مربوط به توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهند که میانگین سنی گروه‌های مورد مطالعه تقریباً نزدیک به هم بوده و در بین آن‌ها میانگین سنی گروه خوانین نسبتاً بیشتر از سه گروه دیگر است. همچنین در همه گروه‌ها، ترکیب جنسیتی به گونه‌ای است که تعداد مردان مورد مطالعه بیشتر از زنان است و این اختلاف، به دلیل دسترسی راحت‌تر به نمونه‌های مرد، مخصوصاً در بین گروه‌های سادات و خوانین می‌باشد. مشاهده می‌-

شود که نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخ‌گویان، متأهل هستند که با توجه به خصوصیات سنی پاسخ‌گویان (افراد بالای ۲۰ سال)، طبیعی است.

جدول (۳): ویژگی‌های جمعیت شناختی به تفکیک گروه‌های چهارگانه

مردم عادی (کرمانج)	خوانین (آغاوت)	شهری اصیل (سابلاغی)	سادات		
۹۴	۹۲	۸۱	۸۹	تعداد	
۳۴/۸۷	۳۷/۲۶	۳۳/۶۰	۳۳/۹۸	میانگین سن	
۴۹	۵۲	۴۱	۵۰	جنسیت مرد	
۴۵	۴۰	۴۰	۳۹	زن	
۸۸	۸۵	۷۲	۷۰	وضعیت متأهل	
۶	۷	۹	۱۹	تأهل مجرد	
۱۰	۱۱	۱۲	۱۵	دیبرستان	
۲۱	۳۶	۲۳	۳۷	دیپلم	
۱۸	۲۲	۱۹	۱۰	میزان فوق‌دیپلم	
۴۱	۱۹	۲۲	۲۴	تحصیلات لیسانس	
۴	۴	۵	۳	فوق‌لیسانس و بالاتر	

## ۲-۵- نتایج استنباطی تحقیق:

با مروری بر جدول نتایج استنباطی تحقیق (جدول شماره ۴)، مشاهده می‌شود که، هر دو متغیر «نگرش به برابری جنسیتی» و «تساهل»، واجد اختلاف معنی‌دار آماری در بین چهار گروه مورد مطالعه (سادات/مردم عادی/خوانین/شهری اصیل) هستند. نتایج مقایسه زوجی گروه‌ها نشان می‌دهد که غیر از دو گروه مقایسه‌ای (سادات/مردم عادی)، سایر گروه‌های زوجی، از نظر گرایش به برابری جنسیتی، اختلاف معنی‌دار آماری با یکدیگر ندارند. همچنین در رابطه با متغیر تساهل، باید گفت که تنها گروه مقایسه زوجی دارای اختلاف معنی‌دار آماری، دو گروه (شهری اصیل/مردم عادی) هستند.

جدول (۴): خلاصه نتایج مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

مقایسه زوجی گروهها (طبقات)		سطح معنی داری	رتبه آزادی	F	میانگین	گروه	بند لرنشی
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین						
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰	۳		۸/۶۶۹	سادات	برابری جنسیتی
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰		۳۸/۱۶۰	۱۰/۹۲۹	شهری	
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰			۷	خولین	
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰			۸/۴۶۸	مردم عادی	
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰			۸/۳۳۷	سادات	تسلط
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰		۰/۰۰۷	۸/۵۱۸	شهری	
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰		۲۱/۸۵۵	۸/۳۱۴	خولین	
شهری - اسل - خولین	شهری - اسل - خولین	۰/۰۰۰			۷/۴۸۴	مردم عادی	

## نتیجه‌گیری

جامعه مکران کردستان ایران، چنانچه اشاره شد، شامل چند قشر مختلف اجتماعی است که عبارت‌اند از: خوانین، سادات، جمعیت اصیل شهری و نیز عامه مردم (کرمانج‌ها). بر اساس مطالعات و نتایج تحقیق حاضر مشاهده می‌شود که در هرکدام از این قشرها و منزلت‌های مختلف اجتماعی مربوط به جامعه مکران، اصل و نسب که عبارتند از نام‌خانوادگی، زمینه‌خانوادگی، قومی، نژادی و نیز طول مدت اقامت در یک محل خاص است، معیار اصلی گروه‌بندی و قشر‌بندی اجتماعی است. این معیار مخصوصاً در قشر سادات و خوانین به‌عنوان عامل اصلی تمایز و طبقه‌بندی محسوب می‌گردد و همین امر باعث شده است که اقشار مختلف اجتماعی در مکران تمایل شدیدی به ازدواج درون‌گروهی و درون طبقه‌ای از خود نشان دهند. ثروت به‌عنوان یک عامل مهم قشر‌بندی اجتماعی در جامعه مکران نیز می‌تواند مشخصه یک قشر اجتماعی باشد (به‌نحوی که اکثر خوانین و جمعیت اصیل شهری به‌عنوان افراد دارای تمکن مالی و پولدار شناخته می‌شوند)، ولی معیار ورود به این قشرها شناخته نمی‌شود؛ کما اینکه نمونه‌های زیادی از افراد پولدار در قشر سادات یا عامه مردم

(کرمانج) وجود دارند ولی به‌ندرت شخصی از طبقه خوانین یا شهری‌های اصیل، حاضر به ازدواج با آن‌هاست. هرچند در صورت ازدواج فردی با فردی از قشر بالاتر، امکان تحرک صعودی برای خود وی (و نه فرزندانش) وجود ندارد. با این وجود، تغییرات و تحرک درون‌قشری و امکان ارتقا و تنزل در درون هرکدام از این اقشار، ممکن بوده و نیازمند کسب معیارهای مختلفی از جمله پول، تحصیلات، شغل، قدرت سیاسی و ... است. با مقایسه نظام قشربندی اجتماعی جامعه موردمطالعه در تحقیق حاضر (کردستان مکریان) با نظام‌های قشربندی در جهان، مشاهده می‌شود که تقریباً همه خصوصیات قشربندی جوامع کمتر توسعه‌یافته در آن یافت می‌شود. نظام قشربندی اجتماعی در مکریان، نظامی تقریباً بسته است که مرزهای طبقاتی کاملاً مشهود و آشکار است. به‌نحوی که شکاف بین «خوانین»، «کرمانج‌ها»، «سادات» و «شهری‌های اصیل» در جامعه همچنان پابرجاست. پایگاه اکتسابی چندان جایگاه درستی نداشته و در تعیین جایگاه اجتماعی افراد برتری با پایگاه انتسابی است؛ به عبارتی، عوامل قومی و خانوادگی و نیز نژاد و محل سکونت بر شایسته‌سالاری ارجحیت دارد و این مهم‌ترین عامل در تبیین عدم وجود تحرک اجتماعی در جامعه مکریان است.

کردستان مکری ایران دارای وضعیت نابرابری است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نامساوی به منافع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند و این تفاوت‌ها به معنی اجتماعی کلمه، ساختاری شده‌اند و این بدین معنی است که جامعه مذکور نیز همچون تمامی جوامع موجود بشری، یک جامعه طبقه‌بندی شده است. یافته‌های تحقیق حاضر، قبل از این که چگونگی شکل‌گیری و ارتباطات بین قشرهای مختلف اجتماعی در مکریان را نشان دهد، بیانگر وجود این قشرها در جامعه مذکور است و این نتیجه نیز در درجه اول نشان‌دهنده و تأییدی بر نظریه ساختاری- کارکردی دیویس و مور است که قشربندی اجتماعی را ضرورتی کارکردی دانسته و استدلال می‌کند که هیچ جامعه‌ای در جهان نبوده است که قشربندی نشده یا کاملاً بدون طبقه باشد.

از جمله مهم‌ترین وجوه تمایز نظریات وبر و مارکس در زمینه قشربندی اجتماعی این است که وبر «منزلت اجتماعی» را موجب قشربندی اجتماعی می‌داند. گروه‌های منزلتی معمولاً اجتماعاتی هستند که با سبک‌های شایسته زندگی و احترام و فخرهای اجتماعی که دیگران برایشان قائل‌اند، به همدیگر وابستگی پیدا می‌کنند. این نظریه وبر کاملاً در تبیین قشرهای «سادات» و مخصوصاً «شهری اصیل» در تحقیق حاضر می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. چراکه عامل اصلی در وجود این دو قشر اجتماعی، افتخار، پرستیژ و منزلتی است که اعضای جامعه برای آن‌ها قائل است و بر اساس ارزیابی ذهنی افراد شکل گرفته است.

کلیات نظریه بوردیو و نیز مطالب مربوط به سبک زندگی که در کتاب «تمایز» به آن می‌پردازد، با نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر نزدیک و هم‌خوان است. سبک و نوع زندگی و نیز اشتغالات فرهنگی قشرهای چهارگانه در ناحیه مکریان (خوانین، شهری اصیل، سادات و مردم عادی) تا حدود بسیار زیادی با همدیگر تفاوت اساسی دارند. افرادی که خود را متعلق به طبقه خوانین می‌دانند بیشتر تمایل خود را به انواع موسیقی کلاسیک کردی از جمله: حیران، مقام و آوازهای اصیل کردی نشان می‌دهند و آن را نوعی منزلت برای خود به حساب می‌آورند. هم‌چنین از تفریحات جذاب برای این قشر «قمار» است که معمولاً در بین سایر قشرهای اجتماعی کمتر دیده می‌شود. در سبک پوشش و لباس، ادبیات و لهجه صحبت کردن، نوع و سبک‌مراسمات از جمله عروسی، مهمانی و ... بین قشرهای چهارگانه مذکور، تفاوت ملموس وجود دارد.

بخش کمی تحقیق حاضر، با هدف مقایسه متغیرهای نگرش به برابری جنسیتی و تساهل در بین چهار قشر اجتماعی مستقل مهاباد، انجام گرفته است. متغیر «نگرش به برابری جنسیتی» در مطالعه حاضر، برابری جنسیتی را در مقوله‌های تحصیلات، مدیریت سیاسی و نیز تجاری مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس نتایج کمی تحقیق، غیر از دو گروه (سادات/مردم عادی)، سایر گروه‌های مقایسه زوجی، دارای اختلاف معنی‌دار آماری هستند. قشر شهری اصیل با توجه به سابقه مدنی بیشتر در جامعه، نسبت به سایر اقشار، خصوصیات نزدیک‌تری با جوامع توسعه‌یافته دارد؛ لذا کاملاً طبیعی است تمایل بیشتری نسبت به مفهوم برابری جنسیتی و مقولات آن از خود نشان دهند و نتایج تحقیق حاضر نیز آن را تأیید می‌کند. نکته قابل توجه در نتایج مربوط به این بخش این است که قشر خوانین با وجود این که نسبت به سایر اقشار وضعیت اقتصادی بهتری دارند و لذا بر اساس نظریه اینگلهارت، می‌بایست تمایل بیشتری به ارزش‌های فرامادی از خود نشان دهند، برعکس، نسبت به سه قشر دیگر، تمایل کمتری به برابری جنسیتی دارند. شاید ویژگی‌های عشیره‌ای و تمایل فراوان به سنت‌ها را که از خصوصیات بارز این قشر است، بتوان به‌عنوان یکی از دلایل اصلی این عدم تمایل ذکر کرد.

در این پژوهش، متغیر «تساهل»، تساهل با مقولات روسپی‌گری، دگرباشان جنسی، سقط‌جنین و طلاق را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج کمی تحقیق، غیر از دو گروه مقایسه زوجی (شهری/مردم عادی)، سایر گروه‌های مقایسه زوجی فاقد اختلاف معنی‌دار آماری با هم هستند. اگر با کمی اغماض، اختلاف اندک دو گروه مذکور را نادیده بگیریم، متوجه می‌شویم که در رابطه با متغیر تساهل، بین قشرهای مختلف اجتماعی اختلاف چندانی مشاهده نمی‌شود. می‌توان گفت با توجه به این که جامعه ایرانی و به‌صورت خاص جامعه کردستان، هنوز جامعه‌ای نسبتاً سنتی بوده و خصوصیات جوامع مدرن را در خود ندارد، لذا قبح اجتماعی مقولاتی مانند روسپی‌گری، دگرباشی جنسی، سقط‌جنین و با درجه ضعیف‌تری طلاق، هنوز شدید است و قبول و حتی تساهل با آن‌ها، برای افراد مورد مطالعه بسیار سخت است.

در کل نتایج تحقیق حاضر، همسو با کارهای پژوهش‌گران قبلی از جمله سراج‌زاده و جواهری و بریک‌ول است.

۱. احمدی، حبیب و سعیده گروسی (۱۳۸۳). «بررسی تاثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن»، *مطالعات زنان*، سال دوم (شماره ۲)، ۳۰-۵.
۲. افشاری، زهرا (۱۳۹۴). «برابری جنسیتی و باروری در ایران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳ (شماره ۲)، ۲۶۲-۲۴۵.
۳. امیرانتخابی، شهرود (۱۳۸۹). «فرهنگ و خانواده»، پژوهش‌نامه مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، اسفند ۸۹ (شماره ۷۴)، ۸۴-۶۳.
۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۵. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹). *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر شیراز.
۶. برزانی، محمد واعظ و راضیه حاتمی (۱۳۸۹). «اثر برابری جنسیتی آموزشی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب در حال توسعه (۲۰۰۰-۰۶)»، *مدل سیستم هم‌زمان*، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۷ (شماره ۱)، ۷۳-۵۳.
۷. خضری، سعید (۱۳۸۸). «جغرافیای تاریخی مکریان در چهار سده اخیر، تحقیقات جغرافیایی»، بهار ۱۳۸۸ (شماره ۹۲)، ۱۶۴-۱۲۹.
۸. خلیفه، عبدالطیف محمد (۱۳۷۸). *بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها*، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. رابرتسون، یان (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل نمادی)*، ترجمه حسین بهروان، چاپ چهارم، تهران: شرکت به‌نشر.
۱۰. ربانی، رسول و ابراهیم انصاری (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶). *توسعه و تضاد*، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۴). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۱۳. سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۵). «برابری‌گرایی جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه‌ای و نگرش مرتبط با آن»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷ (شماره ۲)، ۴۰-۳.
۱۴. سیدمن، استیون (۱۳۸۸). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۱۵. صمدی، سید محمد (۱۳۷۳). *تاریخ مهاباد، مهاباد: انتشارات رهرو*.
۱۶. صمدی، سید محمد (۱۳۸۰). *طوایف و عشایر کرد، سندی جالب از روزگار ناصرالدین‌شاه قاجار*، مهاباد: انتشارات رهرو.
۱۷. علمی، محمود (۱۳۸۸). «گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان و رابطه آن با طبقه اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، تابستان ۱۳۸۸ (شماره ۲)، ۱۳۲-۱۰۷.

۱۸. قاجار، نادر میرزا (۱۳۸۹). قیام شیخ عبیداله نه‌ری و حمزه آقای منگور: قسمتی از کتاب تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، ترجمه کردی: محم‌د‌امین بیژنی، مهاباد: انتشارات هیوا.

پی‌نوشت‌ها

---

<sup>1</sup>= stratified system

<sup>2</sup>= Klasen

<sup>3</sup>= Gazso & Mullin

<sup>4</sup> = Breakwell